

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

اینک آخوند به بیان ادله اشاعره می‌پردازد. اشاعره حدود 5 دلیل آورده‌اند که آخوند 3 دلیل را اشاره و ردّ می‌کند.

ادله اشاعره بر تغایر طلب و اراده

دلیل اول اشاعره: قول شاعر است که گفته است: إن الكلام لفي فؤادي ...

اشاعره قول شاعر را دلیل بر ادعای خودشان قرار می‌دهند که شاعر گفته است: کلام حقیقتش در دل و نفس است، پس معلوم می‌شود که دو جور کلام داریم: کلام لفظی و نفسی.

جواب: آخوند به ردّ این دلیل نمی‌پردازد، زیرا فساد آن روشن است:

اولاً: قول شاعر حجیت ندارد؛ زیرا شعر، میدان تخیلات است.

ثانیا: شاعر کجای شعرش می‌گوید که در نفس انسان غیر از اراده يك صفت دیگری به نام طلب هست؟!

دلیل دوم اشاعره: گفته‌اند ما در میان اوامر، اوامری داریم که از آن تعبیر می‌کنیم به اوامر امتحانیّه یا اوامر اعداریّه یا اعتذاریّه:

اوامر امتحانیّه، نظیر همان امری که خدا به ابراهیم در مورد ذبح اسماعیل فرمود.

اوامر اعتذاریّه، در موردی است که مولی می‌خواهد عبد خودش را بزند و او را تنبیه کند و می‌خواهد برای تنبیه‌اش يك عذری داشته باشد، یعنی: اگر دیگران به مولی اعتراض کردند مولی بگوید من به او امر کردم. پس اوامر اعتذاریّه در موردی است که مولی می‌داند که عبد این فعل را انجام نمی‌دهد و مولی هم نمی‌خواهد که فعل انجام شود، ولی امر می‌کند و بعد شروع می‌کند به تنبیه عبد برای این‌که در موقع تنبیه عذر داشته باشد.

اشاعره گفته‌اند: در این اوامر، طلب هست ولی اراده‌ای وجود ندارد. مولی دارد طلب می‌کند و خدا از ابراهیم ذبح اسماعیل را طلب می‌کند ولی اراده‌ای در کار نیست. و همین مسئله دلیل است بر این‌که بین طلب و اراده تغایر است. و اگر بین آنها اتحاد باشد نباید موردی داشته باشیم که این دو از هم جدا باشند، و حال آنکه در این مورد این دو جدای از هم هستند.

جواب: با تحقیقی که کردیم جواب از این دلیل هم روشن می‌شود.

ما گفتیم که طلب دو نوع است: انشایی و حقیقی، و گفتیم که اراده هم دو نوع است. این دلیل شما می‌گوید که بین طلب انشایی - که از صیغه امر استفاده می‌شود - و اراده حقیقی تغایر و انفکاک است و این عیبی ندارد؛ زیرا ما که قائل به اتحاد طلب و اراده هستیم، با حفظ مرتبه قائل به اتحاد هستیم، یعنی: در مرتبه حقیقی، طلب و اراده حقیقی یکی هستند.

در حالیکه دلیل شما می‌گوید: اراده حقیقی و طلب انشایی متغایر است و ما هم همین را می‌گوییم.

تصالح بین اشاعره با معتزله و امامیه در معنای طلب و اراده

ممکن است بگوییم: نزاع بین اشاعره و ما نزاع لفظی است. نزاع لفظی یعنی: دو طرف نزاع، دو حکم مغایر در دو موضوع جدای از هم می‌گویند. اشاعره که قائل به تغایر هستند، تغایر در طلب انشایی و اراده حقیقی را می‌گویند؛ و ما که قائل به اتحاد هستیم در مرتبه واحد قائل به اتحاد هستیم، یعنی: بین اراده و طلب حقیقی و اراده و طلب انشایی قائل به اتحاد هستیم.

و صَلَّی اللّٰه عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّآلِهِ الطَّاهِرِينَ